

عکس‌های جدال ابدی در گلستان

تا چهارشنبه وقت دارید شما هم یکی از بازدیدکنندگان نمایشگاه عکس سیب‌های ممنوعه باشید
گالری گلستان میزبان نمایشگاهی است که جدال ابدی سپیدی و سیاهی و برآمدن نور از ظلمت را در مدیوم عکس بازتاب می‌دهد. پروژه عکاسی مشترک پدرام لسانی و اسرا مدنی دو شخصیت فرشته سپید و فرشته سیاه را در مواجهه با المان معروف میوه ممنوعه در موقعیت‌های مختلف به تصویر کشیده است.

در آثار این نمایشگاه هم نگاهی اسطوره‌ای به مقوله زیبایی‌شناسی مطرح است و هم از این رهگذر عکس‌ها بازنمایی واقعیت‌هایی از دنیای امروز هستند.

لسانی در این باره می‌گوید: «این پروژه بر می‌گردد به زمانی که من و خانم مدنی در لندن دانشجو بودیم، ایده اصلی از کند و کاو در مبحث نیکي و بدی، خیر و شر مطرح شد، درباره‌اش مطالعه و خلاقیت‌مان را وارد موضوع اصلی کردیم و به مرور این تم موضوعی، شیوه روایت و عکس‌ها شکل گرفت. موضوع این نمایشگاه نشان دادن نیکي و بدی، خیر و شر دانش و جهل است. بر همین اساس در عکس‌ها از المان سیب (میوه ممنوعه) استفاده شده است.»

میوه ممنوعه اشاره‌ای است به میوه درختی که آدم و حوا از خوردن آن منع شده بودند. آنها با خوردن این میوه نخستین گناه تبار انسان را مرتکب و به کبیرا آن به زمین تبعید شدند. در کتاب پیدایش در عهد عتیق، این درخت، درخت معرفت نیک و بد نامیده شده است؛ حال این دو عکاس در قالبی معاصر و یابگیر در کشاکش ستیز خوبی و بدی، از بازگشت به نور می‌گویند. آنها در این مسیر میزانشن‌های خوب و تاثیرگذار، طراحی لباس، طراحی نور و حتی چیدمان عناصر بصری برانگیزاننده‌ای مانند آتش به خوبی بهره برده‌اند. اتفاقا آنها با انتخاب درست مکان‌ها توانسته‌اند موضوع نمایشگاه را فرای مرزها و به بحثی جهان‌شمول تعمیم دهند.

رویکرد عکس‌ها از جنس صحنه آرایی است و شخصیت‌ها برای بیان مضامین مورد نظر عکاسان در موقعیت ویژه فیکس شده‌اند. لسانی در این باره توضیح می‌دهد: «بیشتر مجموعه‌ها عکاسی صحنه آرایی شده است staged photography، سال ۱۳۸۲ مجموعه زلزله گالری فریدون‌آو (شماره ۱۳) سال ۱۳۸۷ مجموعه بامنور گالری مهرآو – سال ۱۳۹۰ مجموعه سازش یا شرطی شدن گالری لادبیری لندن و ۱۳۹۳ مجموعه زندگی ساده است گالری گلستان همگی در همین زمره‌اند.

در مجموعه‌های قبلی از تکنیک خاصی استفاده نکردم و همان چیزی که عکاسی می‌شد همان چاپ می‌شد، همه چیز موقع عکاسی اتفاق می‌افتاد، ولی در این نمایشگاه آخر که با خانم مدنی کار کردیم از تکنیک double exposure و کلاژ استفاده کردیم البته نه در همه عکس‌ها.»

این نمایشگاه که چهره‌هایی مانند فرید مرشدزاده، کاوه نجم‌آبادی، رضا ندیمی و الناز شاکردوست از آن دیدن کرده‌اند تا چهارشنبه، هفدهم بهمن ماه دایر خواهد بود.



نمایشگاه پنجمین جشنواره هنر مقاومت بااستقبال مخاطبان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا شد

«اسکناس قلبی» بنکسی در موزه بریتانیا

اسکناس قلبی اثر بنکسی به صورت رسمی این هنرمندگرافیتی را به موزه بریتانیا پیوند زد.

آن‌طور که فارس نوشته این اثر نمایی از يك اسکناس ده پوندی با تصویر پرنسس دایانا و یکی از هزاران کپی خلق‌شده در سال ۲۰۰۴ است که ورود آن

در نمایشگاه آثار برگزیده پنجمین جشنواره هنر مقاومت چه خبر است؟!

مقاومت در اردوگاه بچه‌ها

✪ هر جشنواره و اتفاقی که شروع می‌شود، موجی از شعارها و اهدافی که قرار است محقق شوند را هم به همراه می‌آورد. ماجرای که فرقی نمی‌کند سیاسی باشد یا اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی؛ این داستان همیشه وجود دارد و البته گاهی باعث شکل‌گیری اقداماتی می‌شود که بعضی از آن حرف‌ها را اجرایی می‌کنند.

جشنواره هنر مقاومت هم برای پنجمین سال برگزاری‌اش تغییرات و بخش‌هایی را به روند همیشگی که دارد اضافه کرده تا هر چه پیشتر به نگاه و هدفی که سیاست‌گذاران آن در هر دوره می‌گویند، نزدیک شود. امسال از چهارم بهمن این رویداد کار خود را

در ده بخش آغاز کرد؛ عکس، کاریکاتور، کارتون، پوستر و تبلیغات شهری، تصویرسازی، گرافیک متحرک، پرچم و کتیبه، تایپوگرافی و طراحی صنعتی از رشته‌هایی‌اند که در این دوره میزبان هنرمندان است.

گروه هنر

نمایشگاه آثار برگزیده جشنواره در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپاشده است؛ فضایی که با طراحی ویژه خود از بدو ورود به آن تلاش شده تا حس و حال هنر مقاومت را به مخاطب القا کند، به‌طوری‌که بعد از پشت سرگذشتن چند پله ورودی برای رسیدن به سالن شماره دو کانون، ابتدا با کلاه‌های ایمنی زرد و آبی روبه‌رو می‌شوید که در دو طرف شما روی داربست‌های فلزی جاکش کرده. بعد از آن هم تا چند متر این داربست‌ها در سمت راستتان ادامه دارد و بعد از گذشتن از آنها نمایشگاه در غرقه‌هایی که به همان داربست‌های فلزی از هم جدا شده‌اند، شروع می‌شود. آثار هر بخش علاوه بر داربست‌ها روی تخته‌هایی که وزنشان روی بشکه‌هایی که کار پایه را می‌کنند، افتاده، قرار دارند و روشنایی سالن با استفاده از لامپ‌های کوچکی که از سقف آویزان است، تأمین می‌شود. ناگفته نماند که رنگ زرد هم از ارکان اصلی این فضاسازی است که کل زمین را دربرگرفته.

✪ در این نمایشگاه چه می‌بینید؟

بخش تایپوگرافی در ادامه راه‌روی ورودی درست روبه‌روی شما قرار دارد. در این بخش از موارد مختلفی چون متون دینی، نشر و

نظم ادبیات حماسی، غنایی و تعلیمی در انتقال مفاهیم و سروده‌های ماندگار شاعران معاصر استفاده شده است. در بخش نقاشی دیجیتال که پیش از تایپوگرافی و سمت راست همان مسیر وجود دارد هم آثاری با موضوع کار و کارگر ایرانی به نمایش گذاشته شده است. در ادامه بخش پوسترها و تبلیغات شهری وجود دارد که با چند عنوان برگزار می‌شود. یکی از این عناوین فصل گفتن است که در آن دستاوردهای مختلف در عرصه‌های صنعتی، علمی، هنری، پزشکی و... در قالب این هنر به تصویر کشیده شده و از این طریق لیست مختصری از این دستاوردها در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. «پاسخ ایرانی» عنوان دیگری است که در آن از تهدیدها، تحریم‌ها، تفرقه‌افکنی‌های دشمنان و پاسخ ایرانیان در کنار موضوع کار، تولید و صرفه‌جویی و یکدلی و اتحاد گفته شده؛ به گفته شجاعی طباطبایی قرار است برخی از آنها در سطح تهران و شهرهای مختلف هم به نمایش درآیند.

اما بعد از آن، درست مقابل غرفه پوسترها بخش عکس وجود دارد؛ بخشی که موضوع اصلی آن زن ایرانی است. در این قسمت عکس‌هایی به نمایش درآمده که زن ایرانی را

باعث ملحق شدن بنکسی برای اولین بار به صورت رسمی به موزه بریتانیا است. موزه بریتانیا اولین اثر خلق شده از این اسکناس توسط بنکسی را به وسیله یک هنرمندگرافیتی ناشناس به‌دست آورده است. این اسکناس عکس پرنسس دایانا را در خود دارد که به مجموعه سکه‌ها، مدال‌ها و دیگر پول‌های رایج موزه

مقاومتی‌ها در کانون بچه‌ها

➕ به اضافه این‌که

همه این بخش‌ها همان‌طور که گفته شد در کانون پرورش فکری به نمایش درآمده‌اند، فضایی که در اولین لحظه حتی عنوان آن هرکسی را به یاد کودکان و نوجوانان می‌اندازد. این در حالی است که تنها اقدامی که برای این گروه در نظر گرفته شده، در بخش تصویرسازی است. به گفته شجاعی طباطبایی در این دوره ۴ داستان تصویرسازی شده برای بچه‌ها طراحی شده و این برای اولین بار است که داستان‌هایی با موضوع انقلاب برای این گروه تدارک دیده شده است. با این حال همان‌طور که گفته شد، یکی از سالن‌های اصلی کانون پرورش فکری به آثار جشنواره هنر مقاومت اختصاص پیدا کرده، به همین دلیل شاید بهتر بود بخش ویژه گروهی که این مرکز به نام آن است، بیشتر از اینها فعال باشد. چون در هر حال فعالیت‌های کانون سال‌هاست که به کودکان و نوجوانان تعلق دارد و حداقل به ظاهر برنامه‌هایی که برگزار می‌شود به نام آنهاست، اما امسال برگزاری چنین نمایشگاهی در آنجا باعث شده خیلی اوقات مخاطب به دنبال همان فضا باشد اما با دنیایی روبه‌رو شود که حداقل در این سن و سال چندان به او برنمی‌گردد. نکته دیگری که در صحبت با برخی بازدیدکنندگان این نمایشگاه داشتیم، فضا سازی است که به نوبه خود سعی شده جدید و متناسب با موضوع باشد، اتفاقی که البته برخی‌ها را هم به اشتباه می‌اندازد، مثل دانشجوی جوانی که می‌گفت من فکر کردم با طراحی که ابتدا به چشم می‌خورد، قرار است وارد نمایشگاهی با موضوع ساختمان و مثلا معماری شوم یا عده‌ای دیگر که گاهی بعد از ورود به آن به دلیل همان انتظاری که از کانون پرورش فکری داشتند، تعجب می‌کردند. به همه اینها برگزاری چنین نمایشگاهی، درست یا غلط در سالی که در یکی از مناطق پررفت‌وآمد شهر قرار دارد، از اتفاقاتی است که وجوه مختلفی دارد و می‌توان از آن در بخش‌های مختلفی بهره‌مند شد، موضوعی که برای این جشنواره باید دید در ادامه تا چه حد همسو با تحقق شعارهای مطرح‌شده‌ایش می‌شود.



گفت‌وگوی جام‌جم با غلامرضا نامی، نقاش و کارشناس هنر

هنر، کالا نیست

روزها نسبت به کالایی شدن هنر وجود دارد، جلوگیری کرد. امروز من به شما حق می‌دهم تعدادی از کارهایی که در فضا‌های مختلف با قیمت‌های گزاف خریداری می‌شود، ارزش هنری چندانی ندارد یا ارزشش در حد آن قیمتی که خریداری می‌کنند، نیست. اما همان‌طور که گفتیم این جریان به همان بحث تقاضای جامعه برمی‌گردد و حراج‌ها و برنامه‌های فروش آثار هم آنجا رخ می‌دهد، می‌آورد و همین جاست که می‌گویم لازم است ریشه‌ای فرهنگ‌سازی شود.

به عنوان نمونه آقای وزیری مقدم از هنرمندان خوب کشور است ولی سال‌ها کسی او را نمی‌شناخت، اما اولین بار که کارش در حراج ارائه شد با قیمتی حدود ۳۵ میلیون تومان فروش رفت شش هفته بعد تقاضای جامعه بهر بود اما کار فلان آقا و برنامه‌های فروش آثار هم آنجا ۱۵۰ میلیون را گاهی بیشتر هم می‌خرند. اینها همه از ناآگاهی است، ولی به هر حال حراج هم به دنبال سود خودش است و آنچه را می‌خرند عرضه می‌کند.

در این مسیر بیشترین مسؤولیت با ارشاد است. در این باره باید برنامه‌ریزی مدونی وجود داشته باشد، سمینارهای مفید برگزار شود و جایی مثل صدا و سیما برنامه و بخشی ویژه هنر داشته باشد، اقدامی که باید فراگیر آگاه‌سازی شود و هیچ چیزی برایش بهتر از رسانه تصویری مثل صدا و سیما نیست. در این فضا همان‌طور که مثلا می‌گویند آسپرین چیست، بخورید یا نه، باید برای سلامت روح هم بخشی وجود داشته باشد و در آن بگویند اثر هنری چیست و چه مشخصه‌ای دارد؟! ✪

در اصل لازم است این جریان فرهنگ سازی شود، یعنی از دبستان شناخت و تعلیم هنر در برنامه قرار بگیرد. در این شرایط من نوعی که دوست دارم يك اثر هنری داشته باشم با آگاهی دست به انتخاب می‌زنم.

در کنار اینا گاهی برخی‌ها از انحصاری شدن هنر به واسطه نگاه کالایی به آن می‌گویند، موضوعی که نمی‌تواند این‌طور باشد، چون هر کسی می‌تواند چنین فعالیت‌هایی را با رسالتی که دارند برگزار یا در آن شرکت کنند. در تمام دنیا هم برای فروش آثار اغلب جنبه هنری کارها را مطرح نمی‌کنند، یعنی بیشتر آن چیزی را که بازار می‌پسندد و تقاضای مشتری است عرضه می‌کنند، مثل سوپرمارکتی که اگر فلان رب فروش بیشتری داشته باشد، آن را می‌آورد. در همه دنیا برنامه و بخشی ویژه هنر داشته باشد، اقدامی که باید فراگیر آگاه‌سازی شود و هیچ چیزی برایش بهتر از رسانه تصویری مثل صدا و سیما نیست. در این فضا همان‌طور که مثلا می‌گویند آسپرین چیست، بخورید یا نه، باید برای سلامت روح هم بخشی وجود داشته باشد و در آن بگویند اثر هنری چیست و چه مشخصه‌ای که این

کاری که بدون ارزش‌های هنری است، خریداری شود، طبیعی است که به این حوزه آسیب وارد می‌شود. در سوی دیگر اگر هنرمند هم تنها به دنبال این بخش از بازار برود، باز هم به ماهیت و مادیت هنر لطمه می‌زند، چون او در این شرایط تنها کاری را انجام می‌دهد که بازاری باشد، در صورتی که هنر به معنای خلق اثر است و خالقش نباید تنها به بازار آن چشم داشته باشد، بلکه او آنچه حس می‌کند و از درونش نشأت گرفته را باید اجرا کند. در غیر این صورت وقتی آثار غیر هنری در این فضا عرضه و خریداری می‌شود، بازاری هنران رونق بیشتری پیدا می‌کند.

در دنیا معمولا کلکتورها در برنامه‌ای که برای کارشان دارند، به هنر آگاهند و آن را می‌شناسند اما در ایران اغلب خریداران بدون این شناخت هستند و سلیقه‌ای خرید می‌کنند، درست همان‌طور که مبل و یخچال خانه شان را می‌خرند با هنر هم همین برخورد را دارند.

بنابر این به اعتقاد من، چنین افرادی باید با کارشناس دست به خرید اثر بزنند تا هم کار هنری را بخرند و هم از نظر قیمت مورد هجمه قرار نگیرند. با تمام اینها

✪ غلامرضا نامی، کارشناس هنری که سال‌هاست در دنیای هنر سمت‌ها و تجربه‌های زیادی را پشت سرگذاشته و از فراز و نشیب‌ها و حرف و حدیث‌های این دنیای وسیع مطلع است، درباره کالایی شدن هنر در نظام

سرمایه داری و ماجرای که پیامدهای مختلفی را به همراه داشته، صحبت‌هایی را مطرح کرد که خواندن آنها خالی از لطف نیست.

آنچه مسلم است می‌توان به آثار هنری هم به عنوان يك کالا نگاه کرد، البته کالای هنری و فرهیخته که در دنیا و تاریخ هم نشان داده شده که این سرمایه‌گذاری بسیار مطمئن و دلنشین است. خوشبختانه علاوه بر کشورهای مختلف که مدت هاست در این فضا فعال هستند، ایران هم چند سالی است به این موضوع پیدا کرده و تا این لحظه هم کسی از خرید اثر هنری به منظور سرمایه‌گذاری نادم نشده است. این شیوه سرمایه‌گذاری علاوه بر اضافه کردن به صندوق پس انداز هر کسی باعث ارتقا و کمک به سواد بصری هم می‌شود. البته این روند جدید نیست و بحث هنر کاربردی از گذشته‌ها وجود داشته، همان‌طور که پدران ما فرش را به عنوان يك کالای هنری و سرمایه می‌خریدند.

درباره نگاه کالایی محض به هنر هم من بارها گفته‌ام جامعه باید آگاه باشد که اثر هنری و کاری را بخرد که عصاره هنر در آن وجود داشته باشد، چون در این صورت است که هنر به معنای واقعی توسعه پیدا می‌کند اما وقتی تنها اثر بازاری و



فاطمه شه دوست

گروه هنر

